

فرزند پرستی بجای خدا پرستی



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات فراوان بر محمد

مصطفی(ص) و اهل بیت طاهرینش

یکی از انحرافات بزرگ برای خانواده ها فرزند پرستی است. یعنی والدین یا یکی از آنها انقدر به فرزند عشق و علاقه دارند که برای فرزند همه کاری می کنند و محبت آنها به فرزند از محبت آنها به خداوند خیلی بیشتر است!

و این عشق و علاقه باعث میشود والدین از مسیر درست منحرف بشوند و گاهی عاقبت به شر گردند.

در طول تاریخ نمونه های فراوانی سراغ داریم که افرادی از خواص جامعه بخاطر فرزندانشان سقوط کردند و عاقبت بدی پیدا نمودند.

در این کتاب پیرامون ابعاد مختلف فرزند پرستی مطالب متنوعی آورده شده است.

اسفند 1402. کرمانشاه

فرزند پرستی عامل انحراف از حق

محبت به فرزندان توصیه اسلام است. مهربانی با فرزندان بسیار ارزشمند است و ثوابهای زیادی دارد. و کسانی که با فرزندان بر خورد بدی دارند مورد مذمت قرار گرفته و برای آنها عذاب های فراوانی ذکر شده است. به چند نمونه اشاره می شود:

بوسیدن فرزندان

- * رسول خدا فرمود: هر کس فرزندش را ببوسد خدا برایش نیکی می نویسد. همچنین فرمود: فرزندان را زیاد ببوسید، به راستی که برای شما در برابر هر بوسه درجه ای در بهشت است.
- * عبدالله بن مسعود می گوید: نزد پیامبر بودم وقتی حسین بن علی وارد شد پیامبر او را بوسید و فرمود: خدایا من او را دوست می دارم پس تو نیز دوست بدار هر که وی را دوست می دارد.

گرامی داشتن فرزند

رسول اکرم فرمود: فرزندان خود را گرامی بدارید و به آن ها شخصیت بدهید، آنان را خوب تربیت کنید که موجب مغفرت و بخشایش شماست.

رعایت مساوات و عدالت میان فرزندان

رسول گرامی فرمود: در دادن هدایا به فرزندان به مساوات عمل * کنید. میان فرزندان خود عدالت را مراعات کنید، همان گونه که دوست دارید در نیکی و لطف با شما به عدالت رفتار کنند.

پیامبر مردی را دید که دو فرزند داشت اما تنها یکی از آنها را بوسید، * به اعتراض فرمود: چرا مساوات را میان آن دو رعایت نکردی؟

مهرورزی به کودکان

رسول خدا فرمود: کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی کنید *

امام صادق فرمود: موسی بن عمران گفت ای پروردگار من! کدام یک از * اعمال نزد تو بهتر است؟ فرمود: محبت به کودکان، زیرا آنان را بر فطرت یگانه پرستی آفریدم و اگر آنها را بمیرانم به رحمت خود، به بهشت می برم.

امام کاظم فرمود: به راستی خدای بزرگ آن گونه که برای نامهربانی با *
زنان و کودکان به خشم می آید برای هیچ چیزی به خشم نمی آید

روزی رسول اکرم حسن و حسین را می بوسید شخصی به نام عینه *
یاقرع بن حابس گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک از آن ها را
نبوسیدم. آن حضرت فرمود: هر کس رحم نکند بر او رحم نمی شود. بر
پایه روایتی آن حضرت به قدری از این گفتار وی خشمگین شد که چهره
اش بر افروخت و به او فرمود: اگر خدا عاطفه را از دلت کنده با تو چه
کنم؟ هر کس بر خردسالان مهر نورزد و بزرگان ما را احترام نکند از ما
[مسلمانان] نیست

سلام بر کودکان

پیامبر فرمود: تا زنده هستم پنج عمل را رها نخواهم کرد، تا پس از من
نیز سنت شود که یکی از آن ها سلام کردن بر کودکان است

بازی و شاد کردن کودکان

رسول خدا فرمود: هر کس نزد او کودکی هست با او کودکانه رفتار *
کند.

رسول خدا فرمود: در بهشت خانه ایی است که به آن خانه شادی می *
.گویند کسی وارد آن نمی شود مگر آن که کودکان را شاد کند

در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت های بسیاری نوشته شده است مبنی بر اینکه آن حضرت نه تنها کودکان خود را به طور بدنی تنبیه نمی کردند، بلکه اگر متوجه می شدند که کسی کودک یا غلام خود را کتک می زند آن حضرت به شدت او را منع می کرد و به سختی اعتراض می فرمود تا کسی فرزند خود را کتک نزند.

به عنوان مثال در کتاب بحار الانوار نوشته شده که شخصی به نام ابومسعود، که در دوران حیات پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله زندگی می کرد، تعریف کرده است که: من غلامی داشتم که او را کتک می زدم. یک بار که در حال کتک زدن آن غلام بودم، از پشت سرم صدایی شنیدم که می فرمود: «ابومسعود! خداوند متعال به تو توانایی داده و این بنده اش را غلام تو کرده است. پس او را کتک نزن.» برگشتم. نگاه کردم و دیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که من را از این کار نهی می کند. من هم به آن حضرت عرض کردم: «من این غلام را در راه خدا

آزاد کردم.» ایشان فرمود: « اگر این کار را انجام نمی‌دادی، شعله‌های
آتش تو را فرا می‌گرفت

با اینکه محبت به فرزندان جزو توصیه های مهم اسلام است ولی زیاده روی در محبت و فرزندپرستی ممنوع می باشد.

در این رابطه به یک ایه اشاره می شود:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَ
أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ
إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ
اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ (توبه، 24)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند فرمان خویش را به اجرا در آورد و خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمیکند.

در ایه مذکور به اینکه بعضی ها فرزند برایشان از خدا و رسول مهم تر است اشاره شده و اینکه اینها فاسق هستند و خداوند انهارا از هدایت خود محروم می کند.

در داستان پسر نوح در قران کریم این چنین آمده است:

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ

الْحَاكِمِينَ

(هوی 45)

و نوح به درگاه خدا عرض کرد: بار پروردگارا، فرزند من از اهل بیت من است (که وعده لطف و نجات به آنها دادی) و وعده تو هم حتمی است و قادرترین حکمفرمایانی.

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

(هود ایه 46)

خدا خطاب کرد که ای نوح، فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد، زیرا او را عمل بسیار ناشایسته است، پس تو از من تقاضای امری که هیچ از حال آن آگه نیستی مکن، من تو را پند می‌دهم که از مردم جاهل مباش

این ایه به ما درس بزرگی می‌دهد که فرزندی مانند کنعان پسر نوح نبی که بت پرست و کافر بود دیگر فرزند نوح حساب نمیشود و نباید بخاطر فرزند مقابل خدا ایستاد! لذا خدا به نوح نصیحت کرد که مبادا جاهل شوی و دنبال پسر ت بروی!

ولی متأسفانه در بین مردم افرادی که فرزند پرست هستند فراوان دیده می‌شوند. اینها بخاطر فرزند معصیت الهی مرتکب می‌شوند و گاه مقابل خدا و رسول و ولایت می‌ایستند.

به چند مورد اشاره می‌شود:

مانند زبیر که تا زمانی که پسرش عبدالله دنیا نیامده بود در کنار اهل بیت (ع) بود. ولی زمانی که عبدالله متولد شد و بزرگ شد پدرش زبیر را از ولایت جدا کرد و کار به آنجا کشید که زبیر شمشیر به دست گرفت و

در جنگ جمل مقابل امیرالمومنین حجت خدا در زمین و آسمان قرار گرفت. و عاقبت به شر شد!.....

در زمان ما هم شخصیتی مانند ایه الله منتظری با انهمه مجاهدت ها در راه انقلاب اسلامی و اینکه قائم مقام رهبری شد و مسئولین نزد او شرفیاب می شدند و عکسش همه جا کنار عکس حضرت امام بود ولی بخاطر فرزندانش در مقابل امام و انقلاب و اسلام ایستاد و عاقبت به شر شد! یک شبه عکسش را از ادارات و نهاد ها پایین آوردند و اوج عزت به حضيض ذلت افتاد!

اما اهل بیت(ع) و علمای مهذب و مخلص هرگز فرزندان خود را بر خداوند مهربان ترجیح ندادند و نمی دهند. به چند نمونه اشاره می شود:

علی بن ابی رافع که در بیت المال امیرالمؤمنین خدمت می کرد گفت: « دختر او یک گردنبند مروارید در روزهای عید قربان به امانت تضمین شده از من گرفت که پس از سه روز آن را بازگرداند. علی(ع) آن را برگردن وی دید، برداشت و به من گفت: «در مال مسلمانان خیانت

می‌کنی؟» داستان را برای او نقل کردم و گفتم که من آن را از مال خود تضمین کرده‌ام. گفت: «همین امروز آن را باز گردان و اگر بار دیگر چنین کنی به کیفر من گرفتار خواهی شد». سپس گفت: «اگر دخترم این گردنبند را جز به صورت امانت تضمین شده گرفته بود، نخستین زن از «بنی هاشم می‌بود که دستش به جرم سرقت بریده می‌شد»¹

سبحان الله! امیرالمومنین دست دخترشان را می‌خواستند قطع کنند....

باز آمده است که وقتی شنیدند ابن عباس در فرمانداری مکه اختلاس کرده نامه ای نوشتند و تذکر دادند که:

امام خطاب به ابن عباس، سوگند یاد می‌کنند که اگر حسن و حسین نیز

شبيه کار تو را انجام داده بودند مجازات می‌کردم: — «وَوَاللَّهِ لَوْ أَنَّ

الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ، وَلَا

ظَفِرًا مِّنِّي بِإِرَادَةٍ حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ مِنْهُمَا وَ أُرِيحَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتِهِمَا،

سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از

جامع احادیث شیعه (بروجردی)، ج 24، ص 60¹

من روی خوش نمی‌دیدند. و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان
«باز پس ستانم، و باطلی را که به دستم پدید آمده نابود سازم»²

این است روش حق و صراط مستقیم. که اگر حسن و حسین(ع)هم
همانکار خلاف ابن عباس را می‌کردند امام با آنها هم برخورد می‌نمود.

درباره حضرت امام آمده :

در سال 59 آقای سید حسین خمینی (فرزند آقا مصطفی) که نوه امام بود
در زمانی که اختلافات بین بنی صدر و شهید رجایی تشدید شده بود، به
مشهد می‌رود و به نفع بنی صدر سخنرانی می‌کند؛ مردم به او حمله می
آورند و می‌خواستند سید حسین خمینی را بزنند و وی که مسلح بوده و
سلاح کمری داشته، دست به سلاح کمری اش می‌برد، بچه های کمیته
جلوی او را می‌گیرند می‌برندش در یک اتاق دیگر

از همانجا مسئولین کمیته تماس می‌گیرند با دفتر امام. پیغام به امام داده
می‌شود که آقای سید حسین خمینی نوه شما در مشهد از بنی صدر دفاع

نامه چهل و یک نهج البلاغه²

کرده مردم به او هجوم آوردند دست به اسلحه برده ما چه کار کنیم.
امام به مرحوم آیت الله اشراقی می فرمایند که به مسئولین کمیته مشهد
پیغام دهید که سید حسین خمینی تحت الحفظ به تهران اعزام شود و
اگر دست به سلاحش برد او را با تیر بزنند.

بله امام می گوید اگر سید حسین خمینی دست به اسلحه برد بچه های
کمیته با تیر بزنندش! آقای اشراقی به دفتر می آید و از طریق آقای
رحمانی که بعدها نماینده امام در نیروی انتظامی شدند، از طریق ایشان
به بچه های کمیته پیغام می دهند. ولی بخش دوم پیام امام را آقای
اشراقی نمی دهد و فقط می گوید امام گفته آقای سید حسین خمینی
تحت الحفظ به تهران اعزام شود. وقتی ایشان پیش امام بر می گردد امام
می پرسد شما دستور من را ابلاغ کردی. ایشان می گوید بله. امام گفت
آقای اشراقی کامل ابلاغ کردی؟ آقای اشراقی که نمی توانسته دروغ
بگوید می گوید نه حضرت امام من قسمت دومش را نگفتم. امام به آقای
اشراقی می فرمایند بر می گردی مجدد تلفن می زنی و هر دو قسمت
پیام من را می دهید. سید حسین خمینی تحت الحفظ به تهران اعزام شود
اگر دست به سلاحش زد با تیر بزنید.

(روزنامه جمهوری اسلامی 78/6/10؛ نقل از سید حمید روحانی)

اری حضرت امام خداپرست واقعی بود و هرگز مانند منتظری فرزند
پرست نبود!

به چند مورد دیگر از علمایی که فرزندپرست نبودند اشاره می شود:
آیه الله خزعلی -

یکی از فرزندان آیت الله خزعلی، به نام مهدی خزعلی از فعالان فتنه
سال 1388 بود که آیت الله خزعلی 28 خردادماه 1388 بیانیه‌ای را مبنی
بر اعلام برائت از مواضع فرزندش، مهدی خزعلی منتشر کرد.
آیت الله خزعلی در بخشی از این بیانیه نوشته بود: «مدت مدیدی است
پسر مهدی خزعلی از راه مستقیم منحرف شده درست در خط مقابل
قرار گرفته هر چه نصیحت می‌کنم و برای هدایتش متوسل به اولیای خدا
می‌شوم اثر نمی‌کند. با بعضی از علمای بزرگ صحبت کردم، فرمود

دست نکه دار شاید به راه بیاید. دیگر کاسه صبرم لبریز شده، دیگر با او صحبت نمی‌کنم و حرف‌های نامناسب او را بر نمی‌تابم.

ملت انقلابی عزیز همیشه در صحنه ما بدانند او از ما جدا هست و هر چه از من نقل کند، نپذیرند. با من ارتباطی ندارد ولی الان هم دعا می‌کنم خداوند به او توفیق دهد که از راه انحرافی که پیش گرفته است برگردد و گرنه خداوند مقتدر، اسلام و انقلاب و امام و رهبر و رئیس جمهور و «... مسلمین عزیز را از شر او مصون و محفوظ بفرماید

آیه الله حسنی امام جمعه ارومیه-

آیت الله حسنی امام جمعه ارومیه در خاطراتش درباره فرزند بزرگش رشید که به گروه‌های منحرف ملحق شده بود می‌نویسد: "جایش را شناسایی کردیم. در کمیته انقلاب تهران با آیت‌الله مهدوی‌کنی تماس گرفتم و گفتم: یک موردی هست، چند نفر مسلح بفرستد. نگفتم پسرم است..... گفتم اگر مقاومت یا فرار کند، بزنید، نگذارید فرار کند و اگر هم تسلیم شد، دستگیر کنید و به کمیته تحویل بدهید. آنها رفتند و او را دستگیر کردند."

او ادامه می دهد: "رشید را بعد برای بازجویی و محاکمه به تبریز انتقال دادند. او چون محل فعالیت‌هایش آذربایجان بود در این شهر محاکمه و «... به اعدام محکوم شد و بلافاصله حکم اجرا گردید

آیت الله حسنی می نویسد: « من در مورد انقلاب با هیچ شخصی ولو پسر م باشد، شوخی ندارم و با هیچ احدی در این مورد عقد اخوتی هم نبسته‌ام. هنوز هم اگر یکی از فرزندانم بر ضدانقلاب و رهبری خدای "ناکرده فعالیت کند، همان کاری را خواهم کرد که با رشید کردم آیه الله جنتی -

روز شکر آیت الله جنتی

محمد حسین جنتی فرزند آیت الله جنتی نیز از نمونه هایی بود که در اوایل انقلاب در جریان یک درگیری کشته شد. روایت است که می گوید آیت الله جنتی نذر کرده بوده که اگر پسرش حسین جنتی که فراری است و روند انقلاب را قبول ندارد دستگیر یا اعدام شود 40 روز روزه شکر بگیرد. او قبل از انقلاب به دلیل ارتباطش با سازمان مجاهدین خلق دستگیر و محکوم به حبس ابد شد. در آبان سال 57 از زندان آزاد

شد و پس از اعلام جنگ مسلحانه مجاهدین خلق علیه جمهوری اسلامی به حمایت از سازمان مجاهدین خلق برخاست و فعالیت خود را شدت بخشید. مدتی به همراه همسرش به زندگی مخفی روی آورد. در پاییز 1360 خانه او به محاصره در آمد، پس از درگیری، حسین خود را از پنجره ساختمان به پائین پرت کرد تا فرار کند، اما کشته شد. همسر وی که برای خرید بیرون رفته بود، هنگام بازگشت به وضعیت محل، مشکوک شده و از آنجا می‌گریزد.

بعضی‌ها بخاطر فرزند پرستی به جنایت دست می‌زنند!

بعضی ها بخاطر فرزند پرستی به قاچاق و دزدی و رشوه خواری دست می زنند! بخاطر فرزند گواهی دروغ تهیه می کنند! و بخاطر فرزند خوار و ذلیل می شوند!

به چند نمونه اشاره می شود:

مرد جوان در یکی از محلات تبریز برای دیدن فرزند ۶ ماهه اش به خانه پدرزنش می رود، اما خانواده پدرزن اجازه دیدن فرزند را نمی دهند که همین باعث درگیری می شود و مرد جوان با چاقویی که در دست داشته وارد خانه شده و پدرزن، مادرزن و برادرزنش را هدف ضربات مرگبار چاقو قرار می دهد.

با اعلام این خبر به پلیس خیلی زود مأموران کلانتری ۲۱ و تیمی از اداره جنایی پلیس آگاهی استان آذربایجان شرقی برای دستگیری متهم وارد عمل شده و با اقدامات فنی و پلیسی عامل این جنایت خانوادگی را

دستگیر می کنند. متهم پس از دستگیری به قتل اعضای خانواده اش به
خاطر دیدن فرزندش اعتراف کرد^۳

درخواست گواهی دروغ برای استخدام فرزند!

اقایی با دخترش به مسجد مراجعه کرده و به امام جماعت می گوید شما
گواهی کنید که این دختر من چندین سال در این مسجد قران و معارف
دینی درس داده است!

به او گفته می شود ما تاکنون این دختر را ندیده ایم و اولین بار است که
او را در مسجد می بینیم!

می گوید برای استخدام در آموزش و پرورش این گواهی را لازم داریم!

³ <https://www.moniban.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-5/152690-%D9%BE%D8%AF%D8%B1-%D8%B9%D8%B5%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D9%86-%D9%86%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D8%A7%D9%87%D9%87-%D8%A7%D8%B4-%D8%AF%D8%B3%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AC%D9%86%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%B2%D8%AF>

مورد دیگر پدر با پسرش به امام جماعت مسجد مراجعه کرده و می گوید این فرم را تایید کنید. در این فرم که برای استخدام در ارتش آمده عنوان شده باید این فرد را ضمانت کنید و معرفی او باشید.... در حالی که اولین بار است امام جماعت این فرزند را مشاهده می کند!

ودهها مورد مراجعه پدران یا مادران به مسجد برای صدور گواهی اینکه این فرزند از نمازگزاران مسجد است. در حالی که فرزندش تاکنون مسجد نیامده است.

این والدین برای اینکه فرزندشان استخدام شود از تهیه گواهی دروغ هیچ ابایی ندارند درحالی که دروغ از گناهان کبیره است.

موارد فراوانی دیده شده که پدران و گاهی مادران برای استخدام فرزند خود، پا روی حق می گذارند و پارتی بازی می کنند و از راههای خلاف دیگر فرزند خود را استخدام می کنند.

گاهی برای فرزند، خود را کوچک و خوار می کنند. به همه التماس می کنند و از هر کس و ناکسی درخواست کمک می نمایند تا فرزندشان پیشرفت کند یا از مشکلات خارج شود و...

نوجوانی با نوجوان دیگر دعوا می کند. پدر یکی از آنان سیلی به گوش نوجوان دیگر می زند در حالی که او مقصر نبوده ولی پدر پا روی حق می گذارد و نوجوانی که با پسر او دعواش شده را مورد کتک قرار می دهد...

این موارد نشان از فرزند پرستی بجای خدا پرستی دارد!

بازیگر تلویزیون گفت همه ملت ایران فدای پسر من!

حمید فرخ نژاد: 85 میلیون ایرانی فدای یک تار موی پسر من!

اما امام حسین علیه السلام اول پسرش علی اکبر و پسرش علی اصغر را فدا کرد بعد خودش بشهادت رسید.

اقایی به مدرسه مراجعه کرده بود و گفته بود آمده ام سیل همه معلم ها
و مدیر و ناظم را چرب کنم تا پسرم مردود نشود!

موردی بوده که پدر برای اینکه پسر خلافتکارش زندان نرود پول داده و
شخصی دیگری بجایش تقصیر را به گردن گرفته و زندان رفته است..
و هزاران مورد این چینی که نشان از خارج شدن از مسیر حق دارد....

راهکارهایی برای جلوگیری از فرزند سالاری و فرزند پرستی!

اگر از کودکی این راهکارهایی که ارائه میشود عملی گردد در این صورت خانواده در مسیر درست تربیتی حرکت می کند و جلو فرزند پرستی و فرزندسالاری گرفته می شود.

محبت بیش از حد ممنوع

محبت مهمترین ارکان پایداری در یک خانواده است. اما به نظر شما محبت زیاد از حد باعث ایجاد مشکل نمی شود. محبت نباید به حدی باشد که از قدرت پدر و مادر در مقابل فرزند کم شود. محبت بیش از حد باعث می شود که واژه احترام کمرنگ تر شود و فرزند به خود اجازه دهد تا هر کار دوست دارد بکند. انتظارات او از پدر و مادرش بالا می رود و والدین مدام مجبور می شوند تا خواسته های او را برآورده کنند و در آخر هم می گویند نمی دانم چرا فرزندم به این شکل رفتار می کند یا از همه طلبکار است. بهتر است علت را در روش تربیتی خود بجویید و بعد از او ایراد بگیرید..

مساله محبت به فرزند اگر درست انجام شود از فرزند پرستی جلوگیری بشود... محبت افراطی هست که باعث میشود اسیبی بنام فرزندسالاری یا فرزند پرستی بوجود بیاید.

اقایی می گفت بچه من هرچه بخواهد برایش فراهم می کنم حتی ساعت دوازده شب چیزی بخواهد با ماشین تمام شهر را می گردم تا برایش فراهم کنم!

به ایشان عرض کردم کار درستی نمی کنید! این کار شما باعث می شود ادم ضعیفی بار بیاید!

حضرت امنه مادر پیامبر ما ، کودکش را به قبیله حلیمه فرستاد تا حلیمه او را در بین عشایر تربیت و بزرگ کند با اینکه امنه تا چهارسالگی پیامبر خدا زنده بود. یک علتش این بود تا فرزند با سختی ها و مشکلات آشنا شود و در کنار سختی ها تربیت شود تا انسان صبوری بشود. تا ادم نازک نارنجی و ضعیف و ناتوان و....

جدی باشید

از جمله راهکارهای مبارزه با فرزند سالاری، جدیت والدین است. والدین بدون آنکه عصبانی شوند و یا بی احترامی کنند می توانند با فرزند خود رفتار قاطع برخورد کنند. اگر دیدید فرزندتان پرخاشگری کرد و رفتار ناشایستی را در مقابل جدیت شما انجام داد، به او بی توجهی کنید. این بی توجهی باید تا زمانی باشد که کودک از کار خود پشیمان شده باشد و بعد عذر خواهی کند. در آن لحظه می توانید علت این بی توجهی را به او بگویید و از او بخواهید دوباره این حرکت را تکرار کند و گرنه تنبیه سنگینی برایت در نظر می گیرم.

در تصمیم گیری جدی باشید

تصمیم گیری در زندگی کار سختی نیست. به شرط اینکه محکم و قاطع و با منطق تصمیم بگیرید و اجازه ندهید کسی در تصمیم های مهم خانوادگی دخالت کند. مثلا دیده شده حتی فرزندان برای انتخاب محل زندگی و حتی مسافرت های والدین خود دخالت می کنند. در این

خانواده ها فرزندان به آنها می گویند که به کجا برو و به کجا نرچرا این چیز را برایم نخریدی... من دوست ندارم تو به خانه کسی بروی...
متاسفانه ضعف رفتاری و تصمیم گیری در این والدین به حدی است که فرزندان به جای آنها حرف می زند و به جای آنها اظهار نظر می کند.....

توصیه به والدین عزیز

در زندگی قاطع باشید و سعی کنید برای کودک نیز مشخص کنید که پدر و مادر تصمیم نهایی را می گیرند و فرزند فقط حق دارد در مسائلی که مربوط به خودش است نظر بدهد. حتی در موارد شخصی نیز پدر و مادر تصمیم نهایی را خواهند گرفت. اگر به جایی رسید که دیگر نتوانستید این رفتار فرزند را کنترل کنید باید به یک مشاوره مجرب مراجعه کنید. شاید او بتواند نسبت به شرایط خانوادگی تان راهکارهای بهتری در اختیار تان قرار دهد.....

همه باید نسبت به قوانین خانه پایبند باشند

وضع قوانین یک خانه از جمله وظایف مهم پدر و مادر برای جلوگیری از هرج و مرج است. در ابتدا سعی کنید قوانینی وضع کنید که خود نسبت به انجام آن پایبند باشید. قوانینی که مربوط به فرزند شماست باید به طور شفاف برای او توضیح داده شود و برای او باید بایدها و نبایدها را مشخص کنید. مثلاً وظایف او را در خانه معلوم کنید و به او بگویید در صورت انجام ندادن این کارها ممکن است از بعضی امکانات محروم شوی. در این زمان کودک اعتراض خواهد کرد. در این حالت انتخاب حق شماست که بر روی حرف خود قاطع باشید و کودک وظیفه شناس و مطیعی تربیت کنید با نسبت به اعتراضات او کوتاه بیایید و حس فرزند سالاری را در او بیشتر کنید.....

سکوت و قهر.

متأسفانه ممکن است بعضی فرزندان به هیچ عنوان از حرف های شما حساب نبرند و تمام راهکارها اثری در رفتار او نداشته باشد. در این صورت آخرین حربه شما برای مقابله با فرزند سالاری سکوت و قهر

است. مدت کوتاهی با او قهر کنید. بیشتر کودکان نسبت به قهر حساس هستند. اگر سکوت و قهر نیز جواب نداد او را محروم یا تنبیه کنید. منظور از تنبیه، تنبیه بدنی نیست بلکه محرومیت کودک از وسیله خاص است. اگر امکان آن را داشتید بهتر است به یک مشاور خانواده و روانشناس کودک مراجعه کنید تا در حضور شما با او صحبت کند و نسبت به شرایط و اوضاع خانواده به شما راهکارهای مناسبی خواهد داد.^۴

⁴ <https://rahyabpsych.com/%D9%81%D8%B1%D8%B2%D9%86%D8%AF-%D8%B3%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B9%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%A8-%D9%88-%D8%B1%D8%A7%D9%87%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D9%87%D8%A7/>

بعضی از همسران و فرزندان دشمنند!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(تغابن ایه 14)

الا ای اهل ایمان، زنان و فرزندان شما هم برخی (که شما را از طاعت و جهاد و هجرت در دین باز دارند) دشمن شما هستند، از آنان حذر کنید، و اگر (از عقاب آنها پس از توبه آنان) عفو و آمرزش و چشم‌پوشی کنید خدا هم (در حق همه شما) بسیار آمرزنده و مهربان است...

شیخ طوسی، گویند: ابن عباس گوید: این آیه درباره عده ای از « مسلمین نازل شده که در مکه مسلمان شدند و اراده هجرت به مدینه نمودند ولی زنان و اولاد آنها مانع شده بودند. چنان که عطاء بن یسار گوید که اینان اراده عزت از راه هجرت کردند و زنان و فرزندانشان مانع شدند.

این ایه به ما می گوید در بعضی خانواده ها فرزندان مانع عمل کردن به دستورات خدا می گردند پس این فرزندان دشمن هستند نه دوست!

موارد زیادی بوده که مرد می خواسته کار خیری انجام دهد مثلا به نیازمندی کمک کند ولی همسر یا فرزندان مانع شدند.

بنده به یک نفر حاجی گفتم حوزه علمیه نیاز به بخاری دارد. گفت من چهارتا دارم به حوزه اهدا می کنم. چند روزی گذشت و خبری از حاجی نشد. وقتی ایشان را دیدم گفتم پس بخاری ها چی شد؟

گفت خانم گفته ما خودمان نیاز داریم!

داستان

در سال قحطی، در مسجدی ❄️

واعظی روی منبر بود و می گفت: کسی که بخواهد صدقه بدهد هفتاد شیطان به دستش می چسبند و نمی گذارند، صدقه بدهد

مؤمنی پای منبر این سخنان ❑

را شنید با تعجب به رفقاییش گفت: صدقه دادن که این چیزها را ندارد، اینک من مقداری گندم در خانه دارم، می‌روم و برای فقرا به مسجد خواهم آورد و از جایش حرکت کرد.

وقتی که به خانه رسید ❏ ❁

و زنش از قصدش آگاه شد. شروع به سرزنش او کرد که در این سال قحطی، رعایت زن و فرزند و خودت را نمی‌کنی؟ شاید قحطی طولانی شد، آن وقت ما از گرسنگی بمیریم و...

خلاصه به قدری او را وسوسه کرد ❏

که آن مرد مؤمن دست خالی به مسجد نزد رفقا برگشت. از او پرسیدند چه شد؟ هفتاد شیطانی که به دستت چسبیدند، را دیدی؟ پاسخ داد: من شیطان‌ها را ندیدم لکن مادر شیطان را دیدم که نگذاشت!!

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: زمانی خواهد آمد که ..
هلاک مرد به دست همسر و فرزندش خواهد بود. زیرا آنان مرد را به
خاطر فقرش سرزنش می کنند و او برای تأمین خواسته های آنان، به هر
کاری دست می زند و هلاک می شود. «یسخرانه بالفقر فیرکب مراکب
السوء فیهلک»^۵

ادم مومن باید طوری بر زندگیش مسلط باشد که همسر و فرزندان
نتوانند او را از عمل به دستورات الهی باز دارند....

⁵ تفسیر مراغی